

## تبیین خویشاوندی تربیتی شعر و تاریخ

علیرضا باوندیان<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی دانشکده هنر / دانشگاه نیشابور  
نویسنده مسئول:

علیرضا باوندیان

### چکیده

شاعران و مورخان سهم بزرگی در تحول تربیتی انسان ولذا پویای فرهنگ ها و تمدن ها داشته اند. آنان وقایع را در برابر نظر انسان ها قرار داده اند تا ایشان بتوانند در چرایی و چگونگی آنها تأمل و تدبر کنند و مسیر سعادت‌مندی خود را بیابند. شعر و تاریخ، گشایشگران باب های بصیرت انسان هستند. انسان در شعر و تاریخ باردیگر خود را می یابد و در حقیقت خود به جستجو می پردازد. اما آنچه میان شعر و تاریخ - برغم فصول مشترک بسیاری که دارند- تفاوت ایجاد می کند نوع رمز گشایی از وقایع است. اگرچه در مورد شعر و تاریخ مقالات و کتابهای بسیاری نوشته شده اما این مقاله که به روش مطالعات توصیفی تحلیلی نوشته شده در پی جستن رابطه های معنادار تربیتی میان شعر و تاریخ است.

**کلیدواژگان:** تاریخ، هنر، واقعیت، خیال، گزارشگری، تفسیر

## مقدمه

"روی داد به معنی واقع و روی دادن به معنی واقع شدن است. رویداد، واقعیت متحرکی است که منسوب به زمان است" (صلیب، ۱۳۶۶: ۲۹۵). هنرمند اگرچه مانند همه مردم در تاریخ به سر می برد اما به دنبال تفسیر شهودی و تأویلی خود از رویدادها است. او گاه رویدادی را که ای بسا چندان هم سترگ و بزرگ نباشد طوری برمی گزیند تا بتواند تفسیر قلبی خود را بر آن استوار کند و آن را به قلمرو تجرید و تعمیم کشاند. پس هنرمندان ذاتاً از اهالی حکمتند اگرچه خود مقرر این مهم نباشند.

شاعران در طول تاریخ، سکان حیات عاطفی جامعه خود را در دست داشته اند؛ حتی در پاره ها و برهه های خاصی از تاریخ، چندان قدرتمندانه بر مقدرات مردم حکم رانده اند که گویی از ایشان هرگز گریز و گزیری نخواهد بود. چه بسیار مردمانی که با شنیدن اشعار ایشان به ناگاه دل و دین از دست می دادند و مدهوش و واگانشان می شدند. گاه شاعران در دورانی چون جاهلیت، وسوسه های درونی خود را بر مرکب شعر سوار و استوار می کردند و دقیقاً به همان نقطه ای می رساندند که خود می خواستند. گاه نیز به تبیین جذاب و زیباشناسانه اندیشه های الهی می پرداختند.<sup>۱</sup> بآنکه به باور برخی از محققان، اعراب در دوران جاهلی پیوسته نگاه نفسانی به وقایع اطراف خود داشته اند<sup>۲</sup> باین همه حتی "شعر جاهلی ما را از اوضاع اجتماعی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی آن دوران آگاه می کند و یکی از منابع مهم تاریخی برای آگاهی از اوضاع قبل از اسلام است" (رضاییان کوچی، ۱۳۹۱) این خود واقعیتی محتوم بوده است که "انسان همواره با بیان و زبان شعر سازگاری داشته و علائق و احساسات خود را از طریق شعر و شاعری نشان داده است". (نظری، داریوش و رویا رضایی، ۱۳۹۵)

اما برآستی محل وقوع شعر کجاست؟ "مارتین هیدگر<sup>۳</sup> معتقد است که زبان، خانه هستی است. شعر در این خانه اتفاق می افتد و به نوبت خود - جنبه های گاه ناپیدای هستی را - از طریق عینیت بخشیدن به ویژگی های بنیادین آن یا مفاهیم کلی و مجردی که از خصوصیات این خانه هستند- آشکار می کند". (قوکاسیان، زاون؛ افراسیابی، امیر حسین، ۱۳۸۹: ۴۹) برخی از اندیشمندان برآنند که شعر عبارت است از بیان زیبا و موزون واقعیت ها با احساسی والا و فهم برین درباره انسان - آن چنان که هست - و انسان - آن چنان که باید باشد؛ و جهان - آن چنان که می تواند برای انسان وسیله رشد و کمال در دو قلمرو معرفت و عمل باشد" (جعفری، ۱۳۴۲) شعر دارای عناصر مختلفی است که از آن جمله است "داشتن توجه خاص به واقعیت" (آزادی، ۱۳۸۰: ۹). این توجه خاص، معطوف به ساحت ابدایی هنرمند است.

با این حال به همان اندازه که در موضوع شعر و لفظ آن تناقضی وجود ندارد در موضوع و لفظ تاریخ این دوگانه قویاً آشکار است. در توضیح این مساله باید گفت که "همواره خود علم و موضوع آن علم با هم متفاوت بوده اند. به عنوان مثال موضوع دانش نجوم، آسمان است. اما در تاریخ، هردو مفهوم، یعنی موضوع تاریخ و خود علم تاریخ در یک لفظ مشترک با عنوان تاریخ بیان می شود". (شریعتی، ۱۳۶۱: ۲۵۰) "تاریخ یک چیز نیست بلکه چندین چیز است. تاریخ، هم عبارت از چیزی که اتفاق می افتد (موضوع تاریخ) و هم تصویری که از آن در ذهن می سازیم (دانش تاریخ). تاریخ، نخست همان چیزی است که ما می خواهیم باور کنیم: مجموعه ای از رویدادها یا موقعیت های عینی، یا وجودهای قابل شناسایی و قابل تشخیص واقع شده در زمان و مکان معین. تاریخ دوم عبارت است از ذخیره، یادآوری، بازفهم آن رویدادها و بالاخره تأثیر آنها بر شیوه برخورد ما با رویدادها و موقعیت های کنونی". (استنفورد، ۱۳۸۲: ۴۲۱) اما شعر، تنها یک چیز است. "شعر، انتظار چیزی است که انتظار نمی رود؛ نه کشف مجدد چیزهای مکشوف". (قبنی، ۱۳۵۶: ۱۸) تاریخ بیان می کند اما شعر تبیین می سازد. "تبیین عبارت است از نشان دادن اینکه پدیده های به ظاهر مجزا از هم می توانند چنان فهم شوند که شباهتی بنیادین داشته باشند". (صادقی، ۱۳۸۵: ۶۰)

اما شعر و تاریخ، سرآغاز یگانه ای دارند و مورخان و شاعران در افق های بسیاری باهم اشتراک مساعی داشته اند. اگر تحلیل استنفورد را بپذیریم هردو با خاطره های انسانی پیوند دارند. ما برای شناخت انسان، جامعه، تاریخ و فرهنگ، ناگزیر از شناخت مفهومی به نام خاطره و خاطرات هستیم. "در حالی که مفهوم خاطره در علوم بیولوژیک و شناختی، بیشتر به عنوان یک ظرفیت فردی شناخته می شود،

<sup>۱</sup> - مانند حسان بن منذر بن حرام بن عمرو که در دوران جاهلیت متولد شد. کنیه اش ابوالولید بود و در زمان هجرت پیامبر از مکه به مدینه شصت سال داشت. او شاعری دلبسته و هوادار رسول خدا(ص) بود و اشعار زیادی در مذمت دشمنان پیامبر سرود. بعضی گفته اند در زمان حیاتش شاعری بزرگتر از او در میان مردم جزیره العرب وجود نداشته است. پیامبر نیز به او علاقه و توجه داشت. (برگرفته از لغت نامه دهخدا به نقل از مجمع التواریخ و القصص و تاریخ طبری)

<sup>۲</sup> - ر.ک. داستان من و شعر، نزار قبنی، ترجمه غلامحسین یوسفی و یوسف حسین بکار، انتشارات توس، مشهد، ۱۳۵۶

<sup>۳</sup> - Martin Heidegger (۱۸۸۹-۱۹۷۶)

علوم اجتماعی معمولاً از خاطره به عنوان یک پدیدار جمعی تعبیر می کنند" (حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲: ۸۰). شعر و تاریخ به گفتارها و رفتارهای انسان و خاطرات جمعی دقیق شده اند، هر دو برخی رویدادها را ستوده و برخی رویدادها را نکوهیده اند. گاه شاعران و مورخان، دست در دست یکدیگر برای ساختن جامعه خود تکاپو کرده اند. اما برآستی شیوه های بیانی ایشان و شگردهای نگاه آنان به انسان و هستی هم یگانه بوده است؟ شعر و تاریخ در کجا و چرا با هم به تفاهم و یا تنافر می رسند؟ ماهیت تاریخ و ماهیت شعر چگونه است؟ آیا تاریخ، روایت گذشته است یا رؤیت آن؟

#### تاریخ فراتر از یک گزارش

انسان در دوران زندگی خود، دانش های گوناگونی را فرا می گیرد و از آنها بهره های فراوان می برد. یکی از این دانش ها که از گذشته مورد نگرش انسان بوده، تاریخ است. تاریخ خوانی و تاریخ دانی هم فرح انگیز و هم انگیزه ای برای آموزش و پرورش انسان است. تاریخ، دانشی گسترده و همانند رودخانه ای در جریان است. اگر هشیارانه درباره تاریخ بیندیشیم و خردمندانه بکوشیم تا آنرا بفهمیم، می توانیم از آن در زندگی بهره های بسیار ببریم. به هر حال هر انسانی سرگذشتی دارد که داستان زندگی گذشته اوست. کارهایی که از انسان سر می زند و رویدادهایی که برایش رخ می دهد، سرگذشت او به شمار می آید. این سرگذشت با دو روش پایدار می ماند:

نگهداری خاطره های ماندگار گذشته؛ نوشتن و یادداشت کردن کارهای انجام شده.

"تأکید گزارش کاملاً توصیفی است" (پن وارن و بروکس، ۱۹۷۴م: ۲۵) اگر گزارش را فقط بیان توصیفی و تصویری یک واقعه یا موضوع خاص بدانیم تاریخ در حقیقت، گزارش زندگی گروهی و گذشته انسان است، یعنی چیزی بسیار فراتر از سرگذشت فردی. "تاریخ در نظر قدما معنای واحدی نداشته است؛ در نظر سقراط به معنای شناخت و در نظر ارسطو به معنی صرفاً گردآوری اسناد و مدارک است" (صلیبا، ۱۳۶۶: ۲۰۲). حتی در نگاه برخی از اندیشمندان منظور از تاریخی بودن مغایر با نظری و منطقی بودن است. ای بسا میان دو چیز رابطه ای منطقی برقرار باشد اما رابطه تاریخی برقرار نباشد. در تاریخ از سطح رویدادها عبور می کنیم. برای همین است که تاریخ با عبرت همراه است. "عبرت حالتی است که در اثر برخورد با اموری ظاهری و مشهود، برای انسان پدید می آید و به معرفتی باطنی و غیر مشهود منتهی می شود". (قائمی مقدم، ۱۳۸۶) "تاریخ نه فقط متضمن عبرت و عبرت هاست بلکه می توان به اعتباری آن را عین عبرت دانست. یعنی تاریخ داشتن و اهل عبرت بودن یک چیزند و اگر هم یک چیز نباشند از هم جدا نیستند. به شرط اینکه تاریخ را با کتاب و درس و پژوهش تاریخی اشتباه نکنیم". (نامه فرهنگ، ۱۳۷۹: ۴) برای همین است که در تاریخ همیشه تصمیم های بزرگی که به همه مردم وابسته است، مطرح می شود. تاریخ به صفات نفسانی و خوبی و بدی مردمان کاری ندارد بلکه به تصمیم هایی که اشخاص تاریخی در موقعیت های خاصی اتخاذ می کنند و کارهایی که انجام می دهند و آثاری که بر آن تصمیم ها و کارها مترتب می شود می پردازد". (همان) تاریخ (وقت یابی)، ماجرای ظهور و خفای حقیقت است. "وقتی که حقیقت ظهور می کند در یادها و خاطره ها می ماند. تاریخ، یادداشت همان یادها و خاطره هاست. آنچه عادی و معمولی و روزمره و تکراری است در یاد و خاطره نمی ماند. اما گاهی حوادثی در زمان اتفاق می افتد که نه تنها در خاطره ها باقی می ماند که اثر آن چنان تعیین کننده است که وقایع دیگر نیز به اعتبار آن شناخته می شوند" (صافیان، ۱۳۹۱: ۲۱۱) تاریخ و شعر به دلایل بسیاری برای انسان اهمیت داشته و دارد:

دلبستگی ذهن کنجکاو انسان به اکتشاف روابط میان وقایع، کسب تجربه های تازه

و یادآوری نیکنامی ها و بدنامی ها.

نه تنها در شعر بلکه در تاریخ هم عامل ذهن انسان نقش اساسی دارد. منظور از عامل ذهن، وجود اعتقادات پیشین، فرهنگ خاص اقتباس شده از جامعه، معرفت های پیشینی، نظریه ها، گزینش حوادث و حتی گزینش اسناد و مدارک و همچنین شیوه تدوین و تألیف وقایع. برای همین است که برخی از متفکران عقیده دارند که هرگز نمی توان گزارشی از رویدادی را یافت که بی کم و کاست برابر با اصل آن باشد. مثلاً توین بی<sup>۱</sup> می گوید "من به تاریخ عینی معتقد نیستم؛ بنابراین در جلد دهم مطالعه تاریخ قصدم این بود که محیط و پیش داوری هایم و روشم را و خلاصه هر چه را در چنته داشتم و در نوشتن مطالعه ای در تاریخ به کار برده ام رونکم" (مهتا، ۱۳۶۹: ۱۵۱).

#### تاریخ در معرض پرسش

برخی از پرسش ها در ابتدا بسیار ساده جلوه می کنند. برای بسیاری از مردم ظاهراً بیان ماهیت تاریخ چندان دشوار نیست. این واژه به خصوص آنقدر تکرار شده و می شود که شاید قدرت و استواری اش را تا حدودی در ذهن و ضمیر مردم از دست داده باشد. شاید پرسش از اینکه تاریخ چیست در ابتدا به نظر بسیار ساده بیاید؛ "تاریخ، مطالعه گذشته است". اما مگر دانش های دیگر چون فلسفه، فیزیک و جغرافی

<sup>1</sup> - Arnold Joseph Toynbee (1889-1975)

مطالبی از گذشته را در بر نمی گیرد؟ مطالبی از فیلسوفان اولیه مانند افلاطون و ارسطو، نکاتی از مکانیک نیوتونی، یا گوشه هایی از تکامل گاهشمارانه تغییرات جغرافیایی سطح زمین در اثر عوامل طبیعی در تاریخ قرار می گیرد. اما آنچه تاریخ را از دانش های دیگر جدا می سازد "سرشت" آن است. "گذشته" موضوع منحصر به فرد تاریخ است. بنابراین همه کسانی که به نوعی با نگارش تاریخ سر و کار دارند باید دریابند که رویدادهایی در گذشته به وقوع پیوسته است؛ و سپس آن را ثبت کنند. تاریخ نگار باید برای زدودن ابهامات بپا خیزد و حقیقت را - هر اندازه هم که مشمول گذر ایام شده باشد - روشن کند. او باید بدون هرگونه جانبداری و تعصب به داده ها نزدیک شود و حقیقت را از آراء مختلف ممتاز کند. شواهد، باید تنها از شاهدهای بی طرف - و نه بی جهت - پذیرفته شود و به موقع تحلیل شود. لوسین<sup>۱</sup> نویسنده یونانی سده دوم میلادی پیشنهاد می کند که "تاریخ نگار باید ذهنی مانند آینه، روشن و درخشان و در عین حال با دقت کانونی داشته باشد و شکل چیزهایی را که دریافت می کند بدون هیچ گونه تغییر شکل، رنگ آمیزی و بد بازنمای به نمایش بگذارد" (Plumb, 1964: 145). این آرمان تاریخ نگارانه تا امروز هم پاییده و برقرار مانده است. همان طور که نماینده قرن بیستمی آن پلامب هنوز این آرزوی تاریخی را در سر می پروراند که ای کاش می توانست "گذشته ای جدید را با کمال درستی و دقت ممکن بیآفریند." (هادی، ۱۳۷۷) این دیدگاهی احترام برانگیز نسبت به تاریخ است. الگویی که در سصد سال گذشته تمام آموزه های مدرسی و فرهنگستانی به دنبالش بوده اند: تاریخ؛ مجموعه حوادثی است که در گذشته روی داده و بوده است و اکنون نیست. در حالی که تاریخ گذشته ای است که حال را ساخته و به سوی آینده در جریان است. تعریف اول از تاریخ در نتیجه نگاه ایستا و ثابت به تاریخ است، در این مکتب می توان تاریخ را هم مانند زندگی دایناسورها مورد بررسی قرار داد. می توان با استناد به یک سنگواره که از قدیم به ما ارث رسیده است، راجع به تمدن ها بحث کرد. با این دید شاید بتوانیم بیرون تاریخ را بشناسیم اما درون آن را هرگز.

در نگاه دوم، تاریخ یک جریان پیوسته و سرگذشت رشد و بزرگ شدن نوع انسان است. در این دیدگاه همه ما جزو تاریخ خواهیم بود. و برای این که بتوانیم تشخیص دهیم کجا ایستاده ایم و به کجا می رویم، ناگزیر به مطالعه و فهم تاریخ هستیم. پس قهرمانان تاریخ یکی هستند و تنها زمان و مکان ظهور آنها تفاوت کرده است.

#### ماهیت بیان شعری

زیبایی های بیانی جزء اولین لذت هایی بودند که انسانها متوجه آن شدند. افراد عادی گاه برای جلب توجه دیگران و حاکمان برای جلب منافع جوامع خود، از این نوع زیبایی ها استفاده کردند که با گذشت زمان احساس احتیاج به آن بیشتر شد. از این رو زیبایی های صناعی را نسبت به ذوق و افکار خود در زبان گسترش دادند تا نثرهای زیبا تکامل پیدا کند و شعر خلق شود. شاعران کمال زیبایی های بیانی را می آفرینند و مخاطبان را شیفته تصرفات بیانی و کشف مخیل خود می سازند. باین همه هنوز و همچنان این پرسش باقی است که شعر چیست؟ شاعر کیست و بیان انسان چگونه شعریت می یابد؟

شاید رویایی سطحی که در حالت خلسه و در یک لحظه اتفاق می افتد شعر باشد. اگر بپذیریم که رویا و خلسه در تمامی انسانها بصورت غریزی و مشترک وجود دارد پس شعر هم در تمام انسانها اتفاق می افتد؛ اما فقط کسی که بتواند این لحظه ها را صید و بیان کند شاعر است. شعر صورتی زیباشناسانه از مفاهیم است که طی سه مرحله به مخاطب انتقال داده می شود. شعر در آغاز از تاثیر احساسات بر اندیشه و ادغام آن با تخیل، توسط ضمیر ناخودآگاه و زیبایی های درونی حاصل می شود که این مرحله بصورت آنی در ذهن شاعر اتفاق می افتد. در مرحله دوم شاعر بدنبال راهی است تا دریافت های ناب ذهنی و خیالی خود از هستی را به بیرون از خود انتقال دهد. از این رو آن را به نشانه ای نمادین تبدیل می کند تا بتواند در خارج از ذهن خود بر آن دلالت کند. وی در مرحله آخر از طریق استخدام و اتصال واژه ها با زیبایی های بیرونی آن را بر زبان یا قلم جاری می کند.

شعر در حقیقت خود معلولی ست ذهنی که علت آن در خارج ذهن است. شاعر هنگامی به شعر دچار می شود که احساس محدود شدن یا سرکوب شدن امیال خود کند. احساس نیاز به حرکت از حوزه های متعارف حیات و سیر به جانب عرصه های متعالی حیات. همین کشف رابطه های نو میان واعیت های معمول، مصدر ایجاد لذت در آثار هنری است.

شعر؛ زاده واکنش ناخودآگاه شاعر در مقابل خودآگاه اوست. شاعر عالمی نو می آفریند که از آرایش اجسام و از قیود زمان و مکان معمول رهاست. او با استفاده از صورت های خیالی زمان و مکان نوینی را خلق می کند که از الزامات زمان و مکان متعارف بیرون است. شاید بتوان نام آن را زمان و مکان آیینی نهاد. وقایع در بستر این زمان و مکان خاص به گونه های دیگری بروز و ظهور می یابند. هنرمند به ایجاد

<sup>1</sup> -Luciano di Samosata

رابطه های جدید میان وقایع می پردازد. لذا او در وقایع نیست بلکه بروقایع است. اوست که از تلفیق وقایع با یکدیگر وقایع تازه ای را ایجاد می کند تا از این مسیر به انتقال پیام بپردازد.

#### شاعرانگی های تاریخ

اگرچه علت فاعلی شعر، الهام است و آن با علت فاعلی تاریخ بسیار متفاوت می نماید.

هومر؛ در اثر شاعرانه خود - ایلید - در سده هشتم پس از میلاد، تاریخ جنگ تروا را که صدها سال پیش صورت گرفته بود، بازگو می کند.<sup>۱</sup> هومر، چگونگی پیروزی نهایی جنگاوران یونانی به سرکردگی آگاممنون را پس از محاصره ای ده ساله، بر دشمنان تروایی شان توصیف می کند. اما آنچه هومر با گذشته انجام می دهد یک حرکت علمی و متقن تاریخ نگارانه نیست زیرا او نمی تواند از معرفت شهودی و دلدادگی های باطنی و قلبی خود بگذرد. بسیاری از کسانی که کوشیدند تا بر تاریخ اثر بگذارند و تاریخ را به زعم و ظن خود شرح دهند، خود پاره ای از تاریخ شدند. این همان زیبایی رازآلوده تاریخ است که همه را با هرادعایی در بر می گیرد.

توسیدیداس که در سده پنجم میلادی قلم می زد برای نگارش پیشگفتار خود درباره یونان پیش از تاریخ، باز به سراغ هومر می رود.<sup>۲</sup> اما هوشیارانه میان دو نقش شاعر و مورخ، تمایز قایل می شود. او می داند که هومر به افسون سازی مخاطب و جذب و جلب احساسی او اندیشیده است. ارسطو همچون او به راحتی میان شعر و تاریخ تفاوت قایل می شود و می گوید: "شعر، به آنچه می تواند باشد مربوط می شود اما تاریخ به آنچه بوده است." (قادری، بی تا) او گذشته را به تاریخ اختصاص می دهد و آینده فرضی را به شعر مربوط می کند. او همچنین ادعا می کند که همان طور که شعر به حقیقت عام مربوط می شود تاریخ، مرتبط با حقیقت خاص است. ارسطو از جهان شمولی شعر، غفلت نمی کند و آن را بسیار ارجمند می داند. به هر حال او یک فیلسوف است و آنان به اقتضای ماهیت تعلق خاطر فلسفی خود، جهان شمولی و جامعیت شعر را محترم می شمارند.

شاعران، زمانی که به تاریخ رجوع می کنند آن را نه به عنوان تمامیت کار - بلکه به عنوان ماده قابل پرداخت تلقی می کنند. نه تنها شاعر می تواند وقایع تاریخی را دستمایه بیان هنرمندانه خود قرار دهد بلکه مورخ هم می تواند به روایت شاعرانه وقایع بپردازد.

۱ - ر.ک. ایلید، اثر هومر، (۱۳۸۴) ترجمه سعید نفیسی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

۲ - ر.ک. تاریخ جنگ پلوپونزی، نوشته توسیدیداس، تهران، خوارزمی ۱۳۷۷

## نتیجه

هنرمند اگرچه مانند همه مردم در تاریخ به سر می برد اما به دنبال تفسیر شهودی و تأویلی از رویدادهای تاریخ است. او گاه حادثه ای را که ای بسا به لحاظ تاریخی چندان هم سترگ و بزرگ نباشد برمی گزیند؛ حادثه ای که بتوان تفسیر قلبی خود را بر آن استوار کرد و آن را به قلمرو تجرید و تعمیم کشاند.

تاریخ، برای هنرمندان و شاعران، امری گذشته، پایان یافته و تمام شده نیست؛ بلکه جهانی است که باید در آن وارد شد و از آن الهام های لازم را برای آفرینش اخذ کرد. شعر اگرچه ذاتی جدا از تاریخ دارد اما همواره از حقایق تاریخ مراقبت کرده و جلوه های انسانی را پاس داشته است. اگر در شاهنامه فردوسی، اشخاص مطرح می شوند برای تثبیت و ترویج حقیقت است. حقیقتی که خاص یک فرد نیست بلکه به شرایط انسانی همه ما مربوط می شود. برای همین است که ما به تصویر شرایط انسانی شاهنامه واکنش نشان می دهیم.

به کلامی دیگر در حالی که شعر الزاماً از اسامی خاص، و در داستان های خاص استفاده می کند، موضوع واقعی مورد علاقه آن، اصول عام شخصیت و رفتار آدمی است؛ اما مشخصه تاریخ این است که به دلیل همان سرشتش در بستر خاص باقی می ماند. شاعران و هنرمندان با دریافت روح حادثه های تاریخ، همیشه کوشیده اند تا از زیباشناسانه ترین و عاطفی ترین جهت ممکن آن را در جان و دل مخاطب خود نهادینه کنند و با عواطف او بیامیزند. در حالی که مورخ - هرچند همچون شاعر و هنرمند - نگاهی جامع به جهان و انسان دارد اما الزامی نمی بیند که بیان خود را به شیوه ای زیبا و عاطفی منتقل کنند.

## منابع

- ۱- نظری، داریوش و رویا رضایی، ۱۳۹۵، امام رضا (ع) در شعر شاعران، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم
- ۲- قوکیاسیان، زاون؛ افراسیابی، امیر حسین (۱۳۸۹)، هم سرایی شعر و معماری، جهان کتاب، شماره ۲۵۱ و ۲۵۲
- ۳- آزادی، علیرضا (۱۳۸۰)، شعر و شاعری از منظر علامه جعفری و تأملاتی در باب آن، نشریه علامه، دوره اول - شماره ۲
- ۴- شریعتی، علی (۱۳۶۱)، انسان، مجموعه آثار ۲۴، تهران، انتشارات الهام
- ۵- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲)، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گلمحمدی، تهران، نشرنی
- ۶- مهتا، ود (۱۳۶۹)، فیلسوفان و مورخان، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی
- ۷- نامه فرهنگ (۱۳۷۹)، تهران، شماره ۳۵
- ۸- قائمی مقدم، محمد رضا (۱۳۸۰)، عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷
- ۹- رضاییان کوچی، ایمان، (۱۳۹۱)، دل شوریدگی در شعر شاعران معلقات سبع، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان - دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی
- ۱۰- قبانی، نزار (۱۳۵۶)، داستان من و شعر، ترجمه غلامحسین یوسفی و یوسف حسین بکار، مشهد، انتشارات توس
- ۱۱- کلینت، بروکس و پن وارن، (۱۹۷۴) رابرت، فهم قصه، نیویورک
- Understanding Poetry was an American college textbook and poetry anthology by Cleanth Brooks and Robert Penn Warren, first published in ۱۹۳۸. The book influenced New Criticism and went through its fourth edition in ۱۹۷۶.
- ۱۲- صافیان، محمد جواد (۱۳۹۱)، هنر، بنیانگذار تاریخ، سوره اندیشه، تهران، حوزه هنری
- ۱۳- صلیبا، جمیل (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، انتشارات حکمت
- ۱۴- صادقی، مسعود (۱۳۸۵)، انواع تبیین و نظریه های تبیین علمی، نامه حکمت، شماره ۸
- ۱۵- حسینی کومله، مصطفی و ستوده علمباز، فاطمه (۱۳۹۲)، نقش خاطره جمعی در باززنده سازی بافت های شهری، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴
- ۱۶- ساموساتایی، لوسین (۱۶۲۹)، به نقل از توماس هابس در پیشگفتار ترجمه از کتاب تاریخ جنگ یونان، کندن، برآون ۱۷۲۳
- ۱۷- هادی، سهراب (۱۳۷۷) شناخت اسطوره های ملل، تهران، نشر تندیس
- ۱۸- قادری، ملک حسن؛ ارسطو و فن شعر، بی تا، بی جا